



ما عشوه می خریم قطعات ناز می کنند

گفت و گو با امیر عاملی خطاط و شاعر



«... پدرانم همه اهل علم و هنر بودند. مکتب دار و شاعر، به تشویق پدر به هنر روی آوردم و خوشنویسی، قدم اول در قلم به دست گرفتم بود...»

امیر عاملی هنرمند خطاط و شاعر شوریده، در دوم اردیبهشت ۱۳۲۱ چنان که خود توصیف کرده است: در شهر قزوین چشم به جهان گشوده، شهری که او از آن با عشق خاص سخن می گوید و آن را شهر «میر و عارف و عبید، شهر دهخدا و شهر مردم به عشق آشنا، می نامد. «عاملی» در گام اول به فراگیری هنر خوشنویسی نزد پدر می پردازد و بنحوا کسب فیض از مضرابوالحسن محمص و مرحوم سیدعلی رفیعی را تجربه می کند. او سعی می کند با سرمشق قرار دادن خوشنویسی های بزرگان هنر خطاطی خود را به اوج برساند. وی که خط نستعلیق را «موسیقی بصری» توصیف می کند خط ثلث و شکسته را نادیده نمی انگارد و همچنین از تدریس هنر خطاطی که حرفه اجنادی اش بوده به هنرجویان جوان غفلت نمی کند.

«... خط که حرفه اجنادم بود همراه با موسیقی دلنواز صریح قلم غم چندین هزارساله را از آینه دل شیدایم می زدود. موسیقی کلمات در شکل نستعلیق، موسیقی بصری است. باری، سبویی از خم خط ثلث و شکسته زده ام و با من کرشمه ها کرده اند. تدریس خط را نیز پس از تعلیم از مرحوم سیدعلی رفیعی، و پدرم از منارس شروع کردم، در انجمن خوشنویسان و در دانشگاهها، دانشسراها و حوزه علمیه ادامه دادم و اکنون در هنرکده ام دنبال می کنم!...»

استاد عاملی با این تلاش ها در عرصه هنر خطاطی آثاری می آفریند که نامش را در این عرصه تثبیت می کند! «... چاپ یک رسم الخط (امیر)، دو آلبوم به نام های: «حسنت سلیمان» و «چارده گیسوی درهم ریخته» به اضافه تحریر کتیبه های مقبره رودکی و نمایشگاههای فراوان در داخل و خارج از کشور رسماً نامم را در عرصه حرفه ای ثبت کرد. گردآوری آثار گرانسنگ بزرگانی چون: میرعماد، میرحسین، میرزا غلامرضا اصفهانی و... چشم دلم را به آینه هنر ناب شرقی باز

کرد... حالا قطعات ناز می کنند و ما عشوه می خریم...»

امیر عاملی همانطور که توصیف کرده است، به موازات هنرجویی در عرصه خط، در عمق وجودش روح شاعری را یافت و به تعبیر خودش: شعر کفر کلماتش را درآورد تا صدایی تازه از او شنیده شود!

«آنقدر در گاهواره شهر روزگاران- قزوین- تاب خوردم که بی تاب شدم و بی تابی پای لنگ و درنگم را به کوجه های عاشقانه شعر گشود. شعر کفر کلماتم را درآورد و از خود صدایی تازه و تازه تر شنیدم...»

سفر زود هنگام مادرش به سوی حضرت حق، از ابتدای طفولیت غبار غم غربتی را بر روحش نشانده.

«... از او ان کودکی می فراق و باده درد نبود مادر چنان مستم کرد که در جستجوی گوهر مقصود به هر سوی شتافتم، از حضور در صحنه تئاتر بکیر تا تاریکخانه عکاسی و مکتب خوشنویسی و بخصوص جلسات شعری...»

روند سرایش شعر یا به تعبیر خود او: زایش و تولد

کلام برای عاملی، با سرودهایی در مدح و ستایش امام حسین (ع) و فاجعه کربلا بروز می کند! شعر عاشورایی که تا به امروز نیز پایه اصلی اشعار این هنرمند مانده است. «... با شعرهای شعر عاشورایی شروع شد، هرگاه شعری در هوای کربلا و یا به یاد فراق مادرم گفتم اشک هایم زودتر از کلمات بر صفحه سفید کاغذ ریختند. مصراع اول را هدیه الهی دانستم که در اثر زایش متولد می شود، شعر هم همچون خط خوش، باید حاصل جوشش درونی باشد تا کوشش بیرونی بیارسته و آراسته اش کند.»

حاصل سرایش و زایش شعرهای آیینی، حماسی و عاشورایی وی، در دو مجموعه با نام های «عشق، عملش و انتظار» و «یادگار زخم» (در توصیف دفاع مقدس) در دست چاپ است.

همچنین مجموعه متنوعی از اشعارش با نام های: «از یاس ها و آلماس ها»، «از تپش دریچه ها»، حوزه هنری ۱۳۷۵؛ نیزه بریزید، آفرینه ۱۳۷۶؛ خانه خورشید، نوادر ۱۳۷۷؛ حسرت پرواز، نیستان ۱۳۸۱؛ شوق شبنم، حدیث امروز ۱۳۸۲، منتشر شده که علاوه بر آن ۸ کتاب شعر کودک، و مجموعه ای شامل ۵۰۰۰ قطعه، طنز، شعر و نقد ادبی در نشریات و مطبوعات کل کشور منعکس و عرضه شده است.

این هنرمند خطاط و شاعر پیشه که هنر خوشنویسی را با ذوق شاعرانه ای درهم آمیخته و به عبارتی ناز قطعات شعری وی با عشوه خطاطی کرشمه ای چشم نواز پدید آورده با توصیفی به زیبایی هر چه تمام تر، آنچه را هندسه ارتباط در مثلث هنر، هنرمند و مخاطب هنری است بر ما عیان و در مقابل دیدگان همه به تصویر می کشد:

«... خلق هر اثر هنری چه شعر و چه خطاطی، قطعه ای از وجود هنرمند است که بر صفحه می ریزد و این خودسوزی عاشقانه که قرن هاست بشریت به آن افتخار می کند، گرمابخش قلوب مخاطبانی است که لبخند رضایتشان خستگی سالیان سال را از تن و روح هنرمندان می زداید...»